



مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری منتشر کرد:

وظایف والدین در تربیت فرزند

در این پژوهش که بهمن ۱۳۹۱ و در دولت دهم به انجام رسیده، آمده است: «اهمیت دوران کودکی در بنیان‌گذاری شخصیت انسان و نیز همراهی و حضور کودک در خانواده، نقش تربیتی خانواده را در میان نهادهای تعلیم و تربیت، به نقشی بی‌بدیل تبدیل کرده است و پژوهش‌های میدانی، همبستگی میان ویژگی‌های والدین و نقش آن در رشد و پیشرفت شخصیتی و اخلاقی را به اثبات رسانده است.»

تربیت به مجموعه تغییرات تدریجی در گستره زمان گفته می‌شود که حرکت خود را از مبدأ آغاز می‌کند و به سوی مقصد رهسپار است و مقدار و مسافت این حرکت و مکانیسم آن قابل مطالعه است و شناخت قوانین حاکم بر این حرکت و کاربست آن در ایجاد تغییرات مطلوب در متربی، مآل همه تربیت‌پژوهان و مربیان است. علوم تربیتی و دانش تربیت و نیز پژوهش‌گران تعلیم و تربیت درصددند تا با شناخت و توصیف موقعیت‌ها و شرایط تربیتی، دستورالعمل و روش‌های تربیتی را به معلمان و مربیان توصیه نمایند و در واقع بر پایه توصیفات تربیتی به نظامی از تجویزات تربیتی دست یابند تا راهنمای عمل تربیت باشد و در عین حال از ویژگی واقع‌نگری، جامعیت، انعطاف در عرصه عمل تربیت و ... برخوردار باشد.

هرچند تجویزات دانش تربیت، جهت بهبود وضع تربیت بسیار مغتنم است؛ اما در دوران معاصر، معمولاً این پژوهش‌ها خود را حصار تنگ روش تجربی محدود نموده و از جامعیت و کلان‌نگری و نیز نگاه همه‌جانبه به انسان، محروم کرده‌اند. این مطالعات و داوری‌ها معمولاً در پيله‌ای از مکاتب و جریانات یک‌سویه روان‌شناختی، فلسفی، معرفت‌شناختی و... گرفتار است؛ به‌نحوی که بعضاً تجویزات یک مکتب تربیتی، با داوری‌های مکتب رقیب در تضاد است و یا مساله‌ای از وجود انسان که مورد انکار مکتبی خاص است، از سوی جریانی دیگر، برجسته‌سازی می‌شود.

دین به عنوان منبع معرفت می‌تواند در این میان، نقش برجسته‌ای ایفا نماید. اسلام به دلیل جامعیت و ویژگی خاتمیت، خود را برنامه عمل انسان‌ها معرفی کرده است و در این میان تجویزات اسلام که در قالب دانش فقه و فتاوی فقهی بروز می‌نماید نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌شود.

طراحی تعلیم و تربیت اسلامی و سامان‌دهی نظام تربیتی اسلام، از دغدغه‌های دیرین دلسوزان و متخصصان متعهد در حوزه تعلیم و تربیت بوده و هست. برای دستیابی به چنین نظامی، همان‌گونه که گردآوری توصیفات اسلام درباره تعلیم و تربیت ضرورت دارد، گردآوری و استخراج تجویزات اسلام نیز مهم به شمار می‌رود.

تجویزات اسلام در دانش فقه تجلی می‌یابد و دانش فقه درصدد است تا برای همه رفتارهای اختیاری انسان‌های مکلف، بایدها و نبایدهایی تعیین کند و به این ترتیب، برنامه‌ای از تکالیف را ترسیم کند.

از دیدگاه فقه اسلامی، رفتارهای آموزش و تربیتی نیز مانند همه رفتارهای اختیاری مکلفان، حکمی شرعی دارد. فقه تربیتی با هدف تعیین احکام شرعی رفتارهای اختیاری مکلفان در عرصه تعلیم و تربیت، در تلاش است تا با استفاده از روش‌شناسی اجتهادی و استنباطی، به این هدف دست یابد و علاوه بر گردآوری گزاره‌های مرتبط به حوزه تربیت در فقه موجود، با نگاهی تخصصی، مسائل و پرسش‌های نوین تربیتی را از نظر شرعی بررسی کند.

بر این اساس، پژوهش حاضر با مفروض دانستن امکان و ضرورت حضور فقه در عرصه تعلیم و تربیت، درصدد است تا شماری از وظایف و مسئولیت‌های والدین در تربیت فرزندان را از منظر فقهی، مورد بررسی قرار دهد و احکام شرعی را از ادله تفصیلی آن استنباط نماید.

هرچند در ادبیات فقهی، خانواده شامل خواهر و برادر و نیز پدربزرگ و مادربزرگ و فرزندان و نوه نیز می‌شود؛ اما از آنجا که وظایف تربیتی خانواده مورد پژوهش است، منظور از خانواده، در درجه اول والدین و در درجات بعدی پدربزرگ و مادربزرگ است.

روش تحقیق این پژوهش، روش تحلیل محتوا با تاکید بر روش استنباطی و اجتهادی رایج در فقه شیعی است و دستاوردهای این پژوهش عبارت است از نظام باید و نبایدهای رفتاری که بر اساس احکام پنج‌گانه (واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح) تبیین می‌شود.

منظور از وظایف والدین، احکام شرعی و داوریه‌های فقهی در مورد رفتارهای تربیتی والدین است و روشن شد که احکام شرعی به واجبات و محرمات محدود نمی‌شود و مستحبات و مکروهات و حتی مباحات نیز حکم شرعی تلقی می‌شود. بر این اساس، این کتاب تنها به بررسی وظایف واجب والدین نمی‌پردازد و منظور از وظایف والدین، گستره احکام پنج‌گانه شرعی است.

شایان ذکر است که نوشتار حاضر به لحاظ جامعیت و گردآوری تمام عرصه‌ها و روش‌های تربیتی و نیز داشتن رویکردی نظام‌گونه و ترسیم نظام اولویت‌ها در تربیت خانوادگی و مقایسه آن با دیگر ساحت‌های تربیتی و نیز دیگر عوامل (مانند حکومت، رسانه، آموزش و پرورش و ...) هیچ ادعایی ندارد و تنها بخشی از مسائل در این زمینه را بررسی نموده است. بنابراین نوشتار پیش‌رو در حد مقدمات خود، تنها پنج ساحت (تربیت اعتقادی، عبادی، عاطفی، جنسی و جسمانی) را بررسی کرده و دو اصل عدالت‌ورزی میان فرزندان و وفا در وعده به کودکان را مطرح نموده و وظایف و مسئولیت والدین را از منظر فقهی تعیین کرده است.

برای مطالعه و دریافت متن کامل این مقاله، روی لینک زیر کلیک کنید.